

نامه‌ی پروانه اسکندری به ریاست شورای مرکزی جبهه‌ی ملی ایران در دوازدهم دی‌ماه ۱۳۳۹

پاینده ایران

ریاست محترم شورای مرکزی جبهه‌ی ملی ایران

درود مرا بپذیرید.

آنچه مرا برانگیخت تا در این لحظات ارزنده و مقدس، که ملت‌م همراه شما و به فرمان شما می‌رود تا به زندگی ننگزده‌ی خود پایان داده صفحات سیاه تاریخ را درخشندگی بخشد، مسئله‌ای است که بارها با شما در میان گذاشتم و مرا نوید دادید که در آینده‌ی نزدیک به آن رنگ زندگی ببخشید، ولی با دریغ فراوان ماه‌ها گذشت و پیام یا فرمانی از سوی شما در این مورد نرسید.

آیا باید بپذیریم که رهبران ارجمند جبهه‌ی ملی، که پرچمداران آزادی هستند، زن را به دیده‌ی موجودی ضعیف و غیرقابل‌حساب می‌نگرند؟ اگر جز این است، من دلیل عدم توجه شما را به نیروی زنانی که در این راه صمیمانه می‌کوشند نمی‌دانم.

ما در این راه نیامده‌ایم تا طرفی بربنسیم؛ و اساساً، در این روزگار سیاه، آن‌ها که به این سنگر روی آورده‌اند چیزی جز شکنجه، زندان و مرگ نمی‌تواند در انتظارشان باشد. به من بگویید بین زن و مردی که هر دو این راه را برگزیده‌اند، یکسان مبارزه کرده صاحب یکمقدار شعور و ارزش اجتماعی هستند چه تفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد. آیا نقش زن را در مبارزات باید نادیده گرفت؟

زنان علاقه‌مند به جبهه‌ی ملی از شما نمی‌خواهند فرمان دهید در راه کسب حق شرکت در انتخابات و به دست آوردن بسیاری از حقوقی که شایسته‌ی دارا بودن آن هستند مبارزه کنند؛ زیرا می‌دانند امروز موجودیت ملت ایران در خطر است و آن‌ها باید به خاطر اهداف بزرگتر و مقدس‌تری مبارزه نمایند و بر عظمت صف مردانی که در این راه گام نهاده‌اند بیفزایند؛ و به همین دلیل همه‌ی نیروی خود را در این راه نهاده و صمیمانه و با همه‌ی وجود می‌کوشند. آیا باید این احساسات باارزش و عمیق نادیده گرفته شود؟ در کدام یک از کمیته‌های مختلف جبهه‌ی ملی زنی نقشی به عهده دارد؟ و برای متشکل کردن زنان در صفوف جبهه‌ی ملی تا کنون چه اقدامی شده است؟ به خاطر داشته باشید عدم توجه شما به این مسئله از عشق من به راهی که برگزیده‌ام و راه سرنوشت و زندگی من است اندکی هم نمی‌کاهد؛ ولی آیا آن‌ها که سینه‌ی خود را سپر بلای ملت خود نموده‌اند حق ندارند بخواهند که شخصیت و موجودیت آن‌ها نادیده گرفته نشود؟

آرزو دارم در اولین فرصت تصمیم شایسته‌ی شما را به زنان همگام خود اطلاع دهم.

با عرض بهترین درود

پروانه اسکندری

دوازدهم دی‌ماه ۱۳۳۹

رایج اندوز گنجینه ایران

در اندوز

دانه برادر بخت - آردون کما - لوزنه دانه که طعم برادر آردون

تاس در تاس بزرگ اندوز ~~ص~~ خرد و ن داده صفت سینه

در سینه که سینه که با سینه در سینه در سینه

که در سینه بزرگ - بزرگ سینه که در سینه داده که آرد

ارجاج

و سینه در سینه در سینه در سینه

که در سینه در سینه در سینه در سینه در سینه

زن را در سینه در سینه در سینه در سینه

که در سینه در سینه در سینه در سینه در سینه

راه صحرا به مسکنه خیرام P

در این راه نباید هیچ گونه خرفی در پیشگاه دوست در این روزها به آنجا

به این سفر در راه در راه خرفی و گسسته . زیرا آن در روزهای گذشته

بسته . نه به سبب این زمین در روزی که در این راه از آنجا

چنان به برزخ کرده . حدیث بر قضا کرده و در این راه

همه تفادیر در آنجا وجود داشته باشد

که بعضی زن را در سبزه های به این راه

زنان هم از آنجا فرارند تا به آنجا حق و در این

فردان رهبر در آن یک حق است در این راه

بسیار از عقده های شسته و در این راه

کنند . زیرا همه اینها امروز بر عودت است و این در عودت

خداوند که گفت در هر روز یک بار در هر وقت در هر

کجای بودم در این وقت گفت که ای خداوند

زبان خود را خور و صد بار

~~بگو ای خداوند~~

~~بگو ای خداوند~~

بگو ای خداوند

بگو ای خداوند

~~بگو ای خداوند~~

۱۲۱۱۱۱